



● با توجه به هم‌زمانی دوران امامت امام سجاد(ع) باعصر فشار و خفقان سیاسی پس از عاشورای حسینی، ایشان چه مسیری را برای هدایت سیاسی شیعه و ایفای رسالت امامت در پیش گرفتند؟

در بررسی سیره سیاسی امام سجاد(ع) در رهبری شیعه باید توجه داشت حضرت روش‌های متعددی را به جهت زمانه‌ای که در آن امامت کرده‌اند، به‌کار برده‌اند، چون با محدودیت شدید پس از واقعه عاشورا روبه‌رو بودند و حاکمان مستبد اموی در مسئله امامت سخت‌گیری شدیدی داشتند.

نخستین اقدام حضرت پس از واقعه کربلا و سفر به کوفه و شام و سپس مدینه ایراد خطابه‌هایی بود که مبین مطالب مهمی بوده که در نتیجه آن‌ها، مردم غافل از خواب بیدار شدند و جنایات بنی امیه افشا شد. خطابه‌های حضرت زین العابدین(ع) که در تاریخ مفصل آمده نشانگر شیوه هدایتگری حضرت در بستر فرهنگ و جهاد تبیین است. مردم چنان تحت تأثیر این خطابه‌ها قرار گرفتند که تا سال ۶۵ هجری قیام توانین در کوفه شکل گرفت. در شام نیز این خطابه‌ها نتایج مثبتی به همراه داشت. روش دوم در سیره سیاسی ایشان، گفت‌وگوهای حضرت و پاسخ ایشان به شبهات بود حضرت زین العابدین(ع) به دلیل آنکه در مقابل شبهات

وقتی از ایشان درباره چرایی این همه‌گره سؤال شد، فرمودند: یعقوب نبی(ع) پیامبر و پیامبر زاده بود و ۱۲ پسر داشت، خدایکی از آن‌ها را دور کرد، در این فراق موقت موهای اوسفید شد و بینایی اش را از دست داد! من چگونه بر مصائبی که در کربلا به چشم دیدم، گریه نکنم؟!

● رویکرد و نگاه امام سجاد(ع) به قیام‌هایی که پس از عاشورا شکل گرفت،

● بنابر اقوال و تصریح منابع معتبر امام سجاد(ع) در دوران حیات مبارک خود پس از واقعه کربلا، هرگز از گریه بر آن مصائب دست نکشیدند، آیا این گریه‌ها صرفاً جنبه احساسی و عاطفی داشت یا حضرت هدفی دیگر را دنبال می‌کردند؟

سومین راهبرد امام سجاد(ع) در راهبری شیعه به تناسب اقتضای زمانه و احیای گری عاشورا، گریه‌های ایشان است. اگرچه ائمه(ع) بعد از امام حسین(ع) همگی بر فاجعه کربلا گریسته‌اند اما حضرت سجاد(ع) برای تبیین این واقعه عظیم و برا نگیختن عواطف از اشک‌های خود بهره‌می‌بردند بنابراین در طول ۳۵ سال امامت خود، این شیوه را ترک نکردند. شیخ صدوق(ع) در امالی اسامی پنج نفر از بگائین (یعنی (بسیار گریه‌کننده) را در تاریخ آورده که یکی از آن‌ها امام سجاد(ع) است.

و شما امام سجاد(ع) برویم و کسب اجازه کنیم، حضرت در پاسخ آن‌ها فرمودند: ای عمو! اگر شخصی به خون‌خواهی ما مردم راد عوت به قیام کند، وظیفه است او را همراهی کنند. این یعنی تأیید غیرمستقیم قیام مختار، البته امام سجاد(ع) درباره دیگر قیام‌ها نیز چنین نگاهی داشتند هر چند شاید مشی و راهبرد آن قیام‌ها مورد تأیید حضرت نبوده باشد.

● امام سجاد(ع) با دعا به افق جدیدی را پیش روی شیعه گشودند و دعا‌های

ایشان در عرصه تبیین چه کارکردهایی داشته است؟



خطابه‌های حضرت زین العابدین(ع) که در تاریخ مفصل آمده نشانگر شیوه هدایتگری حضرت در بستر فرهنگ و جهاد تبیین است

● راهبرد دیگر ایشان تربیت شاگردان است شیخ طوسی ۱۷۰ نفر از نام‌می‌برد که در مکتب امام سجاد(ع) پرورش یافته و بهره‌های علمی از ایشان برده‌اند. کسانی همچون محمد بن مسلم، ابان بن تغلب، ابو حمزه ثمالی و حتی جابر بن عبد... انصاری که همنشین هفت معصوم

است و به مظلومیت اهل بیت(ع) و غصب مقام ولایت اشاره دارد.

بخش دیگر از سیره سیاسی و جهاد تبیین امام سجاد(ع) در ساله حقوق مشتمل بر ۵۰ نوع حق، آمده است. بیش از ۳۰۰ حدیث و روایت از حضرت زین العابدین(ع) نقل شده که شیوه

ایشان را در جهاد تبیین نشان می‌دهد. اهتمام به صلوات در ابتدا و انتهای دعا‌های راهبرد سیاسی ایشان است چون صلوات

شعاری سیاسی است هر چند در ظاهر نوعی ابراز محبت محسوب می‌شود. در صلوات مودت نهفته است، مودتی که خدا در قرآن از مردم درباره اهل بیت پیامبر(ص) درخواست کرده، در صلوات هست. بنابراین اهتمام امام

سجاد(ع) به صلوات بخشی از سیره سیاسی حضرت سجاد(ع) برای تبیین این مسیر است، ● شیوه‌های دیگری در سیره سیاسی امام سجاد(ع) برای تبیین و هدایت شیعه از این مسیر وجود دارد؟

شیوه دیگر ایشان تربیت شاگردان است شیخ طوسی ۱۷۰ نفر از نام‌می‌برد که در مکتب امام سجاد(ع) پرورش یافته و بهره‌های علمی از ایشان برده‌اند. کسانی همچون محمد بن مسلم، ابان بن تغلب، ابو حمزه ثمالی و حتی جابر بن عبد... انصاری که همنشین هفت معصوم

شریعه

اهمیت یادآوری فضائل ائمه اطهار و مجالس و روضه از دیدگاه امام صادق(ع)

دوره‌می‌های پر برکت



گاهی دلت می‌خواهد در کنج خانه بنشین، صدای نوحه‌ای بلند کنی و دقیقاً در همان کنج، چه تنها باشی و چه در جمع، روضه سیدالشهدا(ع) را گوش کرده و اشک بریزی. آخرش هم در همان استکان‌های ساده داخل کابینت چای بریزی و آیینات نقلی ساده‌ات را هم بگذاری کنارش و چای روضه بنوشی! روضه و مجلس عزای خانگی، هر قدر هم که کوچک و ساده باشد، باز صفای خودش را دارد. صفایی از جنس حسین(ع) که شنیدن نامش جسم بی‌جان را روح می‌بخشد و روح انسان را به پرواز درمی‌آورد...

روزی امام صادق(ع) از فضیل پرسید: آیا (دور هم) می‌نشینید و حدیث و سخن می‌گویید؟

فضیل گفت: آری!

امام فرمود: این گونه مجالس را دوست دارم، پس امر (امامت) ما را زنده بدارد. خدای رحمت کند کسی را که امر و راه‌ما را احیا کند.

و همچنین امام در حدیث دیگری، به فردی که از سوگواران و گریه‌کنندگان بر عزای حسینی بود، فرمود: خدای، اشک‌تورا مورد رحمت قرار دهد. آگاه باش، تواز آنانی که از دل سوختگان مابه شمار می‌آیند و از آنانی که با شادی ماشاد می‌شوند با اندوه ما غمگین می‌گردند.

آگاه باش! تو هنگام مرگ، شاهد حضور پدرانم بر بالین خویش خواهی بود.

از امام رضا(ع) نیز نقل شده است: هر کس که عاشورا، روز مصیبت و اندوه و گریه‌اش باشد، خداوند روز قیامت را برای او روز شادی و سرور قرار می‌دهد. بحار الانوار، ج ۴، ص ۲۸۴

روضه مکتوب

امشب بقیع تاریک است

گزیده‌ای از روضه امام سجاد(ع)

من است چرا پدرم را کشتی؟ امام زمان! من از شما معذرت می‌خواهم قبل از اینکه دوسه جمله از خطبه جدت را بگویم می‌گویم این شیعیان اینچرا تا تاریک کردند به یاد بقیع. چون امشب بقیع تاریک است. خدا یا! در چنین شبی در بقیع نیستم که از خاکش برداریم و روی سمران بریزم چرا؟ بقیع! ان شاء... آن‌ها که مشرف شدند و نشدند همه مشرف بشوند. من سرزمینی مثل بقیع ندیدم. آقا آنجا سنگ گریه می‌کند. عجب سرزمینی است بقیع!

روضه خوان: مرحوم استاد فاطمی نیا



عرض ادب

هر کس که زنده بود از اهل خیام تو
مویه‌کنان شد و ره صحرای گرفت و بعد
دور از نگاه علم‌دار لشکرت
آتش به خیمه‌های تو بالا گرفت و بعد
سر مست انتقام ولی بی نصیب تر
پس مجر از سر زن‌ها گرفت و بعد
پس بر ستان کنند سری را که جز نبئل
شود غبار گیسویش از آب سلسبیل

شاعر: یاسر مسافر

آنجا که اشک پای غمت پا گرفت و بعد
بغضی میان سینه من جا گرفت و بعد
وقتی که ذوالجناح بدون تو باز گشت
این دخترت بهانه با با گرفت و بعد
ابری سیاه بر سر راهم نشسته بود
ابری که روی صورت من را گرفت و بعد
انگار صدای مادری دل خسته می‌رسید
آری صدای گریه زهرای گرفت و بعد
همراه آن صدا تمامی می‌کودکان
ذکر محمد او خدا یا گرفت و بعد

ناحیه مقدسه

کربلا دیگر یک بیابان نیست...



عاشورا تمام شد و هر آنچه نباید اتفاق می‌افتاد، اتفاق افتاد. مطهرترین بدن‌ها بر روی زمین مانده و آفتاب با خجالت بر زمین می‌تابد. کسی چه می‌داند شاید آن روزها خورشید، ابر بودن، باریدن و سایه افکندن، فرات، خشک شدن را از خالقش تقاضا می‌کرده است...

کاروان حسینی، عصر روز عاشورا به راه افتاد و از زمین کربلا به سمت کوفه حرکت کرد. دود روز بعد، وقتی زنان بنی اسد برای برداشتن آب به سمت فرات می‌آیند، ناگاه زمین دشت کربلا را می‌بینند! هر اسان نزد همسرانشان رفته و ما چرا را باز گومی‌کنند. مردان هنوز از سپاه بنی امیه می‌ترسند اما با پیشنها د بزرگ قبیله دیده‌بانی گذاشته و قصد دفن پیکرهای شهدا را می‌کنند. آن‌ها در اولین لحظه، پیکر‌ها را بی‌سر دیده و در کار خود می‌مانند که ناگاه سوارای از راه می‌رسد تا آن‌ها را راهنمایی کند.

سوار، خط‌هایی بر زمین می‌کشد و به پیکرها اشاره می‌کند تا در آن مکان‌ها دفن شوند. سپس به سوی پیکر مطهر امام حسین(ع) رفته و بادستان خودش، آن را به آغوش خاک می‌سپارد. پس از دفن، همه به دور سوار حلقه زده تا اهل قبور را بشناسند. سوار می‌گوید: «قبر حسین(ع) را که دانستید. گودال اولی اهل بیت او یعنی جوانان هاشمی هستند و نزدیک تر از همه علی اکبر است. حفره دوم قبور اصحاب او و قبر، حبیب بن مظاهر است. او که در کنار علقمه افتاده، عباس است و آن دو جسد، فرزندان امیرالمومنین(ع) اگر کسی پرسید او را آگاه کنید،»

مرد سواره، علی ابن الحسین(ع) امام بر حق و بازمانده کربلاست... کربلا، از آن روز، دیگر یک بیابان نیست. کربلا حرم است. حرم هاست. این اتفاق در روز دوازدهم محرم سال ۶۱ قمری، مطابق با بیست و سوم مهر سال ۵۹ شمسی رخ داده است.